

برای ناصر تقوایی؛

سرمقاله

## راوی خاموش جزیره‌ها و آیین‌ها



امیرافشار فتوحی  
دبیر تحریریه روزنامه صدا

ناصر تقوایی رفت و با او بخشی از حافظه زنده سینمای ایران خاموش شد. اما حقیقت این است که سال‌ها پیش از رفتن جسمش، صدای او از سینمای رسمی ما بریده شده بود. مردی که «ناخدا خورشید» و «آرامش در حضور دیگران» را آفرید، در سکوت زیست و در سکوت رفت. تقوایی از جنوب آمده بود؛ از اقلیمی که مردمانش با دریا و روایت زاده می‌شوند. او در عین وسواس و دقت، عاشق ادبیات بود. روایت‌هایش از داستان کوتاه و نثر فارسی تغذیه می‌کردند؛ از هدایت و چوبک تا هم‌نشینی‌اش با ابراهیم گلستان. تقوایی نه تنها زبان را به تصویر تبدیل کرد؛ تصویری زنده، انسانی و اندیشمند بلکه تصویر را نیز هنرمندانه به زبان تبدیل کرد تصاویری که با مخاطبانش به راحتی حرف می‌زنند. شاید به همین دلیل آثارش هنوز خواندنی‌اند، نه فقط دیدنی. نگاه او به مردم، نگاهی انسانی بود؛ چه در داستان و چه در مستند. مستندهایش درباره محرم و تعزیه، هنوز از محدود روایت‌های تصویری هستند که آیین را با فهم و احترام به تصویر کشیدند و «ناخدا خورشید» او هنوز هم از بهترین اقتباس‌های تاریخ سینمای ایران است؛ فیلمی که در دل محدودیت‌ها، وسعت اندیشه و زیبایی را به تصویر کشید.

این مرد اهل جنوب، با صدای آرام و نگاهی پر از تأمل، از تبار فقه‌گویان کهن بود. اهل گفتن بود، نه برای فریاد، بلکه برای عمق. در دنیایی که سینما را با صحنه و سروصدا اشتباه گرفته‌اند، او سکوت را بلد بود. در زمانه‌ای که فیلمساز بودن یعنی در صف بودجه و سفارش ایستادن، ترجیح داد خانه‌نشینی کند تا سازش. و چه دردناک است که جامعه‌ای چنین مردان با اصالتش را به سکوت می‌کشاند و بعد، بر مزارشان یادداشت ادبی می‌نویسد. مرگ ناصر تقوایی فقط مرگ یک کارگردان نبود؛ پایان فصلی از سینمای اندیشه بود که هیچ‌گاه اجازه داده نشد ورق بخورد. کسی که با «آرامش در حضور دیگران» و «ناخدا خورشید» معیار تازه‌ای برای روایت، بازیگری و زبان تصویری در ایران ساخت، در سال‌های پایانی عمرش حتی فرصت نداشت درباره فیلمی حرف بزند که هرگز ساخته نشد. تقوایی می‌خواست روایت کند، بی‌هراس از قدرت، بی‌مصلحت جویی، بی‌خط قرمزهای صوری. درست همین صداقت بود که او را از جریان رسمی حذف کرد. و این شد سرنوشتی که ما او را با خاطره‌ها سنجیدیم، نه با آثار تازه‌اش؛ و این یعنی مرگ تدریجی هنرمند در میان ما. ناصر تقوایی هرگز سازگار نبود، چون می‌دانست هنر اگر سازگار شود، دیگر هنر نیست. او رفت، اما شرم ما ماند؛ شرم نسلی که استادش را تنها گذاشت، شرم نهادی که فیلم‌هایش را خاک کرد و شرم کسانی که فقط در روز مرگ یادشان می‌افتد چه گنجی را از دست داده‌اند.

به احترام او، چنان‌که همسرش نوشت، می‌توان درختی کاشت، شمعی بیفروخت و صفحه‌ای از ادبیات را بلند خواند. اما اگر یاد تقوایی تنها در همین آیین‌ها خلاصه شود، باز هم همان اشتباه همیشگی را تکرار کرده‌ایم. او درخت می‌کاشت تا سایه‌اش بماند، اما ما در سایه‌اش ننشستیم. شمعش را وقتی روشن کرد که هنوز می‌خواست بسازد، ما خاموشش کردیم. جامه سپیدش، جامه پرهیز از تملق و معامله بود و ما این سپیدی را ندیدیم چون چشمانمان به رنگ قدرت خو گرفته بود. یاد تقوایی را باید با تغییر نگاه زنده نگه داشت؛ با این جرأت که فیلمسازان مان را پیش از مرگ جدی بگیریم. تا وقتی سینماگران برای گفتن حقیقت مجبور به گوشه‌نشینی باشند و عمرشان را در حسرت یک فیلم بسوزانند، هر شمعی که روشن کنیم، نوری نخواهد داد. ناخدای سینمای ایران دیگر پشت هیچ قاب دوربینی نمی‌ایستد، اما ما شاید هنوز بتوانیم پشت قاب ذهن او بایستیم؛ همان‌جا که سینما نه ابزار شهرت، که آیین وجدان است. اگر درسی از رفتن او باقی مانده، همین است؛ سینما، بی‌انسان‌های آزاد، فقط تصویری تار از حقیقت خواهد بود.

یاد او را نه فقط با شمع و سپیدی، که با بازگشت به جهان بینی و نگاه منحصر به فردش زنده نگه داریم؛ با مرور همان قاب‌ها و صحنه‌هایی که جهان را نه با شعار و فریاد، بلکه با دقت و اندیشه ثبت کردند. با بازی آوارش می‌توان فهمید که سینما برای او وسیله‌ای برای شناخت انسان و زندگی بود، نه صرفاً نمایش تصویر. ناصر تقوایی دیگر پشت هیچ قاب دوربینی نمی‌ایستد، اما نگاهش در هر قاب زنده است؛ همان نگاهی که به ما یاد داد سینما می‌تواند انسانی، متفکر و شریف باشد.

روحش شاد و یادش گرامی

نهادهای فرهنگی و سینمایی در سوگ ناصر تقوایی

## سفر به خیر ناخدا

ناصر تقوایی، خالق آثار ماندگاری چون «ناخدا خورشید»، «ای ایران» و «کاغذ بی‌خط»، روز ۲۲ مهر ۱۴۰۴ در سن ۸۴ سالگی دار فانی را وداع گفت. او از پیشگامان سینمای اندیشه‌ورز در ایران بود و آثارش همواره با نگاهی عمیق به هویت، فرهنگ و انسان ایرانی همراه بود.

در پی درگذشت زنده‌یاد ناصر تقوایی، شماری از نهادهای فرهنگی، هنری و رسانه‌ای کشور با انتشار پیام‌های جداگانه‌ای، این فقدان را به خانواده او، جامعه هنری و علاقه‌مندان سینما تسلیت گفتند.

سازمان سینمایی:

تقوایی، معمار روایت و اندیشه

رئیس سازمان سینمایی، با انتشار پیامی از تقوایی به‌عنوان «معمار روایت و اندیشه» یاد کرد و نوشت: ناصر تقوایی را باید استاد تصویر جزئیات دانست. او از دل جزئیات، جهانی از عشق، تنهایی، رنج و بردباری آفرید. سینمای ایران یکی از ستون‌های اصلی خود را از دست داد. روحش در آرامش و نامش در حافظه سینما زنده خواهد ماند.

بنیاد سینمایی فارابی:

تقوایی، معمار نگاهی نو در روایت ایرانی

حامد جعفری، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی نیز در پیامی با اشاره به تأثیر ژرف ناصر تقوایی بر هویت روایت

سینمای ایران

نوشت: استاد

تقوایی نه فقط

کارگردانی

برجسته، بلکه

معمار نگاهی نو

در روایت ایرانی

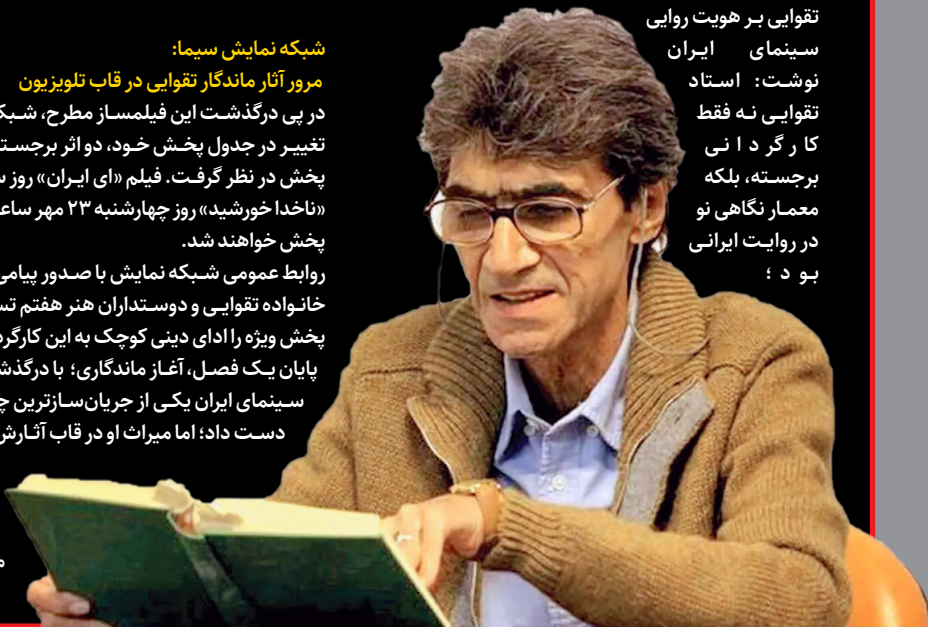
بود؛

شبکه نمایش سیمای:

مرور آثار ماندگار تقوایی در قاب تلویزیون

در پی درگذشت این فیلمساز مطرح، شبکه نمایش سیمای تغییر در جدول پخش خود، دو اثر برجسته از تقوایی را برای پخش در نظر گرفت. فیلم «ای ایران» روز سه‌شنبه ۲۲ مهر و «ناخدا خورشید» روز چهارشنبه ۲۳ مهر ساعت ۱۷ از این شبکه پخش خواهند شد.

روابط عمومی شبکه نمایش با صدور پیامی، این ضایعه را به خانواده تقوایی و دوستان ارادین هنر هفتم تسلیت گفت و این پخش ویژه را ادای دینی کوچک به این کارگردان بزرگ دانست. پایان یک فصل، آغاز ماندگاری؛ با درگذشت ناصر تقوایی، سینمای ایران یکی از جریان‌سازترین چهره‌های خود را از دست داد؛ اما میراث او در قاب آثارش، در دل فرهنگ و حافظه تصویری این سرزمین جاودانه خواهد ماند.



جواد شمقدری، رییس اسبق سازمان سینمایی:

## در زمان مسئولیتم

## تلاش کردم ناصر تقوایی فیلمش را بسازد

جواد شمقدری کارگردان سینما در حاشیه مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد محمد کاسبی درباره درگذشت ناصر تقوایی بیان کرد: من متأسفانه در همین مراسم شنیدم که ناصر تقوایی درگذشت. این یک ضایعه بزرگ برای سینمای ایران است. ضایعه‌ای که در کنار درگذشت محمد کاسبی مضاعف شد. وی ادامه داد: ناصر تقوایی از فیلمسازان خوب کشور بود که در همین کشور ماند. به نظرم این امتیاز را نتوان در بسیاری از کسانی که به خارج از کشور رفته‌اند، دید. فکر می‌کنم اگر تلاش می‌شد که تقوایی یا امثال او بتوانند به فعالیت در عرصه کارگردانی ادامه دهند، اتفاق مبارکی بود. معاون امور سینمایی وزارت ارشاد در دولت‌های قبل عنوان کرد: من در زمان مسئولیتم خیلی تلاش کردم که او بتواند به فعالیت سینمایی‌اش ادامه دهد و بعد از «چای تلخ» فیلم بسازد.



۲ جلسه هم با او داشتم اما در نهایت به نتیجه نرسید و مسائل و مشکلاتی مطرح شد که عمدتاً جنبه شخصی داشت و متأسفانه امکان همکاری فراهم نشد. وی در بخش پایانی این گفتگو عنوان کرد: مسئله‌ای اساسی‌تر مطرح است، اینکه در سال‌های اخیر بسیاری از پیشکسوتان سینمای ایران خانه‌نشین شده‌اند. ما اگرچه جوان‌گرایی را توصیه و تأکید می‌کنیم اما این به معنای نادیده گرفتن فیلمسازان پیشکسوت نیست. بسیاری از آنان همچنان از توان جسمی و فکری لازم برای ساخت فیلم برخوردارند و نباید این فرصت را از آنها گرفت به ویژه که تداوم و تقویت سینمای ایران در گرو حفظ پیوند و ارتباط بین نسل‌هاست و نباید اجازه داد انقطاع نسلی پیش بیاید.



مهر